

آموزش عالی، کارآفرینی، رشد اقتصادی

ارایه یک مدل نظری و تحلیل تجربی

دکتر مجید مداح *

چکیده:

یکی از عواملی که در کنار کار و سرمایه به عنوان منبع رشد و توسعه اقتصادی مطرح است، وجود کارآفرینان با ویژگی‌های پیش برنده‌ای مانند خلاقیت و نوآوری است. گسترش روحیه کارآفرینی و تربیت و پرورش کارآفرینان در جامعه، اثر مطلوبی بر رشد اقتصادی دارد چرا که کارآفرینان با استفاده صحیح از امکانات اقتصادی و خلق فرصت‌های تجاری جدید موجب بهبود عملکرد بنگاه‌های تولیدی و خدماتی می‌شوند. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی از نهادهای اثر گذار در تربیت کارآفرینان می‌باشند که در این مقاله نقش مراکز آموزش عالی در توسعه کارآفرینی مورد بررسی قرار گرفته است. برای این کار، ابتدا مدلی با عنوان آموزش عالی، کارآفرینی، رشد اقتصادی ارایه شده است سپس ضریب همبستگی خطی میان نرخ رشد عملکرد شرکت‌های تازه تأسیس به عنوان شاخص جانشین فعالیت‌های کارآفرینی و نرخ رشد اقتصادی در سطح ۱۴ کشور تحت بررسی محاسبه شده است. نتایج به دست آمده از مدل نظری و تحلیل تجربی نشان می‌دهد:

- ۱- دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نقش مؤثری در پرورش کارآفرینان دارند که این نقش از طریق تعریف و عرضه‌ی واحدهای درسی جدید مانند «کسب و کار الکترونیک» انجام می‌شود.
- ۲- ضریب همبستگی میان کارآفرینی و رشد اقتصادی ۰/۷۹ است یعنی بهبود شاخص کارآفرینی موجب رشد اقتصادی بیشتر می‌شود.

واژگان کلیدی:

سرمایه انسانی، کارآفرینی، آموزش عالی، کسب و کار الکترونیک، رشد اقتصادی، ضریب همبستگی، مدل TEEE.

۱- مقدمه:

رشد اقتصادی یکی از اهداف دولت در جامعه است که تحقق آن نیازمند فراهم شدن امکانات و شرایط مناسب محیطی مانند کارآمدی سیاست‌های اقتصادی دولت، وسعت زیر ساخت‌های اقتصادی و وجود نهادهای پیش برنده است. از سوی دیگر عوامل کمی و کیفی تولید مانند نیروی کار، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی نیز به عنوان منابع رشد اقتصادی مطرحند. سرمایه انسانی معادل کیفیت نیروی

1- Schumpeter 2-Entrepreneur

* عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان

ژوزف شومپتر اولین کسی است که به طور جامع و گسترده از واژه کارآفرین در نظریات اقتصادی استفاده نموده است. وی از انترپرنور به عنوان قدرت و نیروی محرکه توسعه یاد می‌کند. از نظر شومپتر علاوه بر نیروی کار و سرمایه به عنوان منابع رشد اقتصادی، وجود کارفرمای خلاق یا انترپرنور در فرایند رشد اقتصادی کشورها اهمیت دارد. انترپرنور فردی است که هدف مهمی در ذهن دارد، تنها به دنبال افزایش درآمد نیست بلکه به دنبال یافتن راهکارهایی برای چیرگی بر رقبای بازار است. در دیدگاه شومپتر به کارگیری ترکیبات جدید در بازار مانند معرفی یک کالای جدید، ارایه یک روش جدید تولید، دستیابی به بازارهای جدید، یافتن ماده جدید و راه‌اندازی تشکیلات و سازمان‌های جدید موجب توسعه اقتصادی می‌شود، این ترکیبات در سایه‌ی نوآوری، ابداعات و اختراعات پدید می‌آید که طبقه‌ای بنا می‌نماید انترپرنور یا کارآفرین مجری آن است.

کارآفرین مخترع نیست بلکه نوآور^۷ است که با به کارگیری و هدایت صحیح منابع و امکانات اقتصادی مانند اختراعات، ابزار تولید و اعتبارات، به خلق فرصت‌های اقتصادی جدید می‌پردازد و از این جهت موجب بهبود عملکرد بنگاه می‌شود. یکی از ویژگی‌های مهم کارآفرین، تصمیم‌گیری در شرایط خطر و ریسک است که کارفرمایان معمولی از آن بی‌بهره‌اند. در این زمینه نایت^۸ (۱۹۲۱) معتقد است: کارآفرین به تصمیم‌گیری در شرایط عدم حتمیت می‌پردازد، عدم حتمیت باریسک متفاوت است. ریسک شرایطی است که در آن، نتایج یک فعالیت اقتصادی گرچه نامشخص است اما با احتمال معین قابل پیش‌بینی می‌باشد این در حالی است که در عدم حتمیت، احتمال رخداد نتایج مشخص نیست. اگر ریسک را به دو بخش قابل اندازه‌گیری و جبران توسط مؤسسات بیمه و غیرقابل اندازه‌گیری و جبران توسط مؤسسات بیمه تقسیم‌بندی نماییم، کارآفرین کسی است که حاضر به پذیرش بخشی از ریسکی است که غیر قابل جبران توسط مؤسسات بیمه می‌باشد که این رفتار، متفاوت از رفتار بازرگان عادی است چون بازرگان عادی تنها از فعالیت‌های اقتصادی دارای ریسک و خطر قابل جبران توسط مؤسسات بیمه استقبال می‌نماید.

این افراد به کار می‌برد. از نظر وی انترپرنور به عنوان قدرت و نیروی محرکه توسعه مطرح است. انترپرنور کسی است که به طور پیوسته به دنبال شناسایی ظرفیت‌های اقتصادی جدید، پیگیری فرصت‌های اقتصادی موجود و تبدیل آن به موقعیت‌های اقتصادی، بدون در نظر گرفتن محدودیت‌هاست که این نقش از طریق تفکر، توان بالای برنامه‌ریزی و مدیریت، خطرپذیری، داشتن روحیه خلاقیت و نوجویی انجام می‌شود. نظر به نقش انترپرنورها یا کارآفرینان در تسریع روند رشد و توسعه اقتصادی، کشورهای پیشرفته طی دهه‌های گذشته اقدام به برنامه‌ریزی برای رشد و پرورش کارآفرینان نموده‌اند که در این زمینه به تأسیس چندین دانشکده برای تربیت افراد با انگیزه و نوآور در آلمان طی سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۵ و آموزش کارآفرینی در مدارس ژاپن در سال ۱۹۸۵ می‌توان اشاره کرد. در این جا سؤالی که مطرح است این است که نقش دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در تربیت و پرورش کارآفرینان چیست؟ و در این زمینه چه راه حلی پیشنهاد می‌شود؟ و توسعه کارآفرینی چه اثری بر رشد اقتصادی جامعه دارد؟

هدف این مقاله یافتن پاسخ مناسب به پرسش‌های فوق است که در این راه پس از مروری کوتاه بر ادبیات کارآفرینی، ابتدا مدلی با عنوان «آموزش عالی، کارآفرینی و رشد اقتصادی» ارایه می‌شود و سپس از طریق تجربی رابطه میان کارآفرینی و رشد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- مروری بر ادبیات کارآفرینی

۲-۱- مفهوم کارآفرینی

واژه کارآفرین یا انترپرنور اولین بار در فرانسه از سوی کانتیلون^۱ (۱۷۵۵) مورد استفاده قرار گرفت که بعدها وقتی وارد زبان انگلیسی شد عنوان «بازرگان»^۲، «ماجرا جو»^۳ و یا «صاحب‌کار»^۴ به آن اطلاق گردید. به اعتقاد کانتیلون کسی که در شرایط مشخص بودن یا حتمیت^۵ مخارج و نامشخص بودن یا عدم حتمیت^۶ درآمدها به استقبال فعالیت تجاری می‌رود، یک انترپرنور است. نامشخص بودن درآمدها موجب می‌شود تا آینده‌ی بازار به طور کامل قابل پیش‌بینی نباشد و با این تعریف، کانتیلون کار تحت شرایط نامشخص و استقبال از ریسک را از ویژگی‌های انترپرنور می‌داند.



Frank.H.Knight



J. Schumpeter



Peter.F.Drucker



M.Kirzner

توسعه کارآفرینی، رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد که از طریق آن اثرات مثبتی چون بهبود وضعیت رفاهی مردم، کاهش فقر و افزایش اشتغال در جامعه به وجود می‌آید. در این ارتباط هندرسن^{۱۰} (۲۰۰۲) نشان داده است: کارآفرینان به طور قابل ملاحظه‌ای روی سطح فعالیت‌های اقتصادی از طریق ایجاد مشاغل جدید اثر دارند.

۳- آموزش عالی، کارآفرینی، رشد اقتصادی: ارایه

یک مدل نظری

کارآفرین با ایجاد تحول و نوآوری در تولید، موجب گسترش ظرفیت‌های اقتصادی می‌شود و در نهایت روند رشد و توسعه اقتصادی کشور را سرعت می‌بخشد. از دیدگاه شومپتر رشد اقتصادی فقط از طریق عوامل کمی تولید یعنی نیروی کار و سرمایه فیزیکی قابل تأمین نیست بلکه باید عامل دیگری هم وجود داشته باشد که این عوامل را به نحو مناسب با یکدیگر ترکیب کند و آنها را به کار گیرد. این عامل، کارآفرین است که در ظهور و پرورش آن، مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند. برای تبیین جایگاه و نقش آموزش عالی در ظهور کارآفرینان و از این طریق تأثیرگذاری بر رشد اقتصادی، به ارایه مدلی با عنوان «آموزش عالی، کارآفرینی، رشد اقتصادی» (TEEE)^{۱۱} می‌پردازیم. شکل (۱) این مدل رابطه میان آموزش عالی، کارآفرینی و رشد اقتصادی را تشریح می‌کند.



Roy Thurik

کیزنر^۱ (۱۹۷۳) نیز در مطالعه‌ای ویژگی‌های کارآفرین را مورد بررسی قرار داده است. از نظر وی کارآفرین کسی است که از فرصت‌های تجاری بازار اطلاع دارد و با شناسایی عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان به عنوان یک دلال و واسطه^۲ در بازار عمل می‌کند به نحوی که ضمن تسهیل تجارت از فرصت‌های تجاری موجود استفاده می‌نماید براساس این تعریف سود و منفعت اقتصادی کارآفرین از نقش واسطه‌گری و دلالی او ناشی می‌شود و برای این کار به سرمایه و منابع مشخصی نیاز ندارد.

دراکر^۳ (۱۹۸۵) از صاحب‌نظران کارآفرینی، کارآفرین را کسی می‌داند که فعالیت اقتصادی کوچک، جدید و متعلق به خود را شروع می‌کند. کارآفرین تغییر دهنده‌ی ارزش‌هاست، ریسک‌پذیر است و به درستی تصمیم می‌گیرد، وی گرچه سرمایه‌گذار نیست اما برای فعالیت خود به سرمایه نیاز دارد. جانسن^۴ (۲۰۰۰) مفهوم کارآفرین اجتماعی را مطرح ساخته است و معتقد است: کارآفرین اجتماعی کسی است که روش‌های نوآورانه‌ای برای ترکیب و هدایت نیازهای اجتماعی دارد به خصوص وقتی جامعه با کاهش منابع عمومی مواجه است.

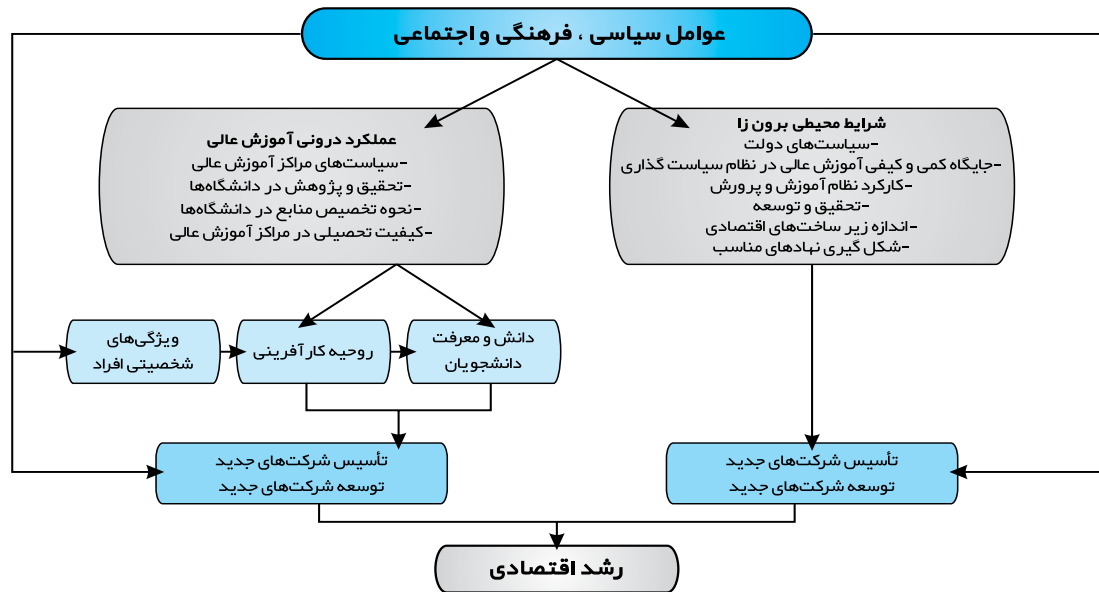
بر اساس دیدگاه‌های فوق، کارآفرین را فردی با ویژگی‌های پیش‌برنده‌ای مانند نوآوری-خلاقیت، ریسک‌پذیری، ارایه ترکیبات جدید در بازار و استفاده از فرصت‌های تجاری بازار می‌توان تعریف کرد.

۲-۲- اثرات کارآفرینی:^۵

کارآفرین با استفاده بهتر از فرصت‌ها، اقدام به راه‌اندازی کسب و کار جدید و خلق ظرفیت‌های جدید اقتصادی می‌کند و از این جهت روند رشد اقتصادی را سرعت می‌بخشد. در این ارتباط توریک^۶ (۱۹۹۹) به نقش کارآفرینان در فرایند رشد اقتصادی اشاره کرده و معتقد است: با افزایش تعداد کارآفرینان، شرکت‌های جدید تأسیس می‌شود و تعداد شرکت‌ها در بازار افزایش می‌یابد، ابداعات و اختراعات بیشتری در جامعه صورت می‌گیرد که این عوامل موجب تقویت محیط رقابتی در بازار می‌شوند. افزایش رقابت میان بنگاه‌های اقتصادی نیز رشد اقتصادی بیشتر به همراه دارد. در مطالعات دیگری که از سوی دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM)^۷ بامول^۸ (۱۹۹۳) و یوا^۹ (۱۹۹۸) صورت گرفته اثر مثبت کارآفرینی بر رشد اقتصادی در چارچوب مدل‌های نظری تأیید شده است.

- 1- Kirzner
- 2- Middleman
- 3- Druker
- 4- Johnson
- 5- Entrepreneurship
- 6- Thurik
- 7- Global Entrepreneurship Monitor
- 8- Baumol
- 9- Yu
- 10- Henderson
- 11- Tertiary Education Entrepreneurship Economic Growth

شکل ۱- مدل آموزش عالی، کار آفرینی، رشد اقتصادی



مشارکت‌های اجتماعی در جامعه را فراهم می‌نماید که در نتیجه آن تقاضا برای نیروی انسانی متخصص که تربیت آن بر عهده آموزش عالی است، افزایش می‌یابد. وجود شرایط مناسب محیطی برون‌زا در سطح ملی، خود موجب ظهور و توسعه‌ی شرکت‌های تولیدی جدید می‌شود که این مسئله نیز بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارد.

ب - عملکرد درونی نظام آموزش عالی: عواملی مانند سیاست‌های مراکز تصمیم‌گیری مرتبط با نظام آموزش عالی، تحقیق و پژوهش در دانشگاه‌ها، نحوه‌ی تخصیص منابع در مراکز آموزش عالی، توانمندی نیروی انسانی شاغل و کیفیت تدریس و تناسب واحدهای درسی با نیازمندی‌های جامعه در عملکرد نظام آموزش عالی مؤثر است که این عملکرد در کمیت و کیفیت دانشجویان تجلی می‌یابد.

در سال‌های اخیر تعداد کل دانشجویان در مراکز آموزش عالی رشد زیادی داشته است به طوری که از ۱۱۹۰۵۳ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۲۴۵۲۷۷ نفر در سال ۱۳۸۴ رسیده است^۱ و بنابراین از نرخ رشد متوسط سالانه ۳۹ درصد برخوردار بوده است. سوالی که در این جا مطرح است اینکه تا چه حد توسعه کمی دانشگاه‌ها بر رشد اقتصادی کشور اثر مثبت داشته است؟

آیا افزایش تعداد دانشجویان منجر به خلق ثروت اقتصادی، ایجاد فرصت‌های شغلی و تجاری جدید شده است؟ آیا افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی منجر به رشد بهره‌وری و افزایش تولید سرانه شده است؟ گرچه پاسخ به این سؤالات نیازمند اطلاعات دقیقی است اما اتکاء به آمارهای جانبی زیر تا حدودی تصویری از وضعیت موجود را ترسیم می‌کند.

1-Schultz

2-Investment

3-Human Capital

۴-گزارش اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های مختلف

شولتز^۱ (۱۹۶۱) در دهه‌ی ۶۰ تفسیر نوینی از تشکیل سرمایه‌ارایه نمود. از نظر وی معنی و مفهوم تشکیل سرمایه‌ارایه سرمایه‌گذاری^۲ به عنوان یکی از منابع رشد اقتصادی تنها در ماشین‌آلات، کالاهای با دوام و تجهیزات محدود نمی‌شود بلکه آموزش، دانش و مهارت نیروی انسانی یک نوع تشکیل سرمایه‌ارایه به حساب می‌آید. شولتز عنوان سرمایه‌انسانی^۳ را برای این نوع سرمایه‌گذاری اطلاق نمود. سرمایه‌انسانی همان کیفیت نیروی انسانی است که یکی از عوامل ارتقاء سطح آن، آموزش سرمایه‌انسانی می‌باشد. از این منظر توسعه آموزش عالی نقش اساسی در رشد اقتصادی کشور دارد. این نقش می‌تواند از طریق تربیت نیروی انسانی متخصص و پرورش کارآفرینان انجام شود. نقش آموزش عالی در تربیت و پرورش کارآفرینان تابع شرایط محیطی برون‌زا در سطح ملی و عملکرد درونی نظام آموزش عالی با مؤلفه‌های زیر است.

الف - شرایط محیطی برون‌زا در سطح ملی: واقعیت آن است که عوامل خارج از اراده نظام آموزش عالی، بر عملکرد آن مؤثر است که از آن جمله به نقش دولت در تخصیص اعتبارات، جایگاه کمیت و کیفیت آموزش عالی در نظام سیاست‌گذاری کشور، میزان تحقیق و توسعه، اندازه‌ی زیر ساخت‌های اقتصادی و کارکرد نظام آموزش و پرورش می‌توان اشاره کرد. آموزش و پرورش با تربیت افراد بهره‌مند از باورهای فرهنگی پیش‌برنده مانند احترام به حقوق دیگران، نظم‌پذیری و نگرش علمی در برخورد با مسایل، می‌تواند نیروی انسانی با کیفیت به نظام آموزش عالی عرضه نماید که این اقدام در افزایش توانمندی‌های کیفی دانشجویان در مراکز آموزش عالی مؤثر است. در این مرحله همچنین شکل‌گیری نهادهای پیش‌برنده مانند قوانین و مقررات، حقوق مالکیت، آزادی اقتصادی و درجه باز بودن اقتصاد نیز می‌تواند بر عملکرد آموزش عالی مؤثر باشد چرا که وجود این عوامل، شرایط مناسب برای افزایش سطح فعالیت‌های اقتصادی و

– نرخ بیکاری در کل کشور ۱۲/۷۵ درصد و نرخ بیکاری به علت تحصیلات دانشگاهی در ایران ۱۹/۳ درصد است.^۲

– طی سال‌های (۸۴ – ۱۳۷۵) تعداد دانشجویان از نرخ رشد متوسط سالانه ۴۰ درصد و تولید واقعی سرانه از نرخ رشد متوسط سالانه ۲/۹ درصد برخوردار بوده است.^۲

اطلاعات فوق نشان می‌دهد: رشد کمی تعداد دانشجویان در مراکز آموزش عالی، طی سال‌های گذشته همگام با رشد تولید سرانه واقعی، کاهش بیکاری و قابلیت جذب در بخش خصوصی نبوده است که یکی از دلایل آن می‌تواند پایین بودن کیفیت نیروی انسانی آموزش دیده در مراکز آموزش عالی باشد. با توجه به اهمیت کیفیت نیروی انسانی در رشد اقتصادی و نقش دانشگاه‌ها به عنوان یکی از مراکز تربیت نیروی انسانی، لازم است تا بهبود کیفیت افراد تحصیل کرده در مراکز آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد. یکی از ابزارهای مهم در تحقق این امر، رویکرد کارآفرینی در رشته‌های تحصیلی دانشگاهی است.

۱-۳- رویکرد کارآفرینی در نظام آموزش عالی:

رشته‌های دانشگاهی در مراکز آموزش عالی باید به گونه‌ای طراحی و سازمان‌دهی شوند که محصول آن علاوه بر نشر و اشاعه دانش و معرفت میان مردم، دانش آموختگانی با بهره‌وری بالا، دانش و اطلاعات و تخصص مناسب، روحیه نوآوری و خلاقیت، ریسک‌پذیری و نوجویی و انگیزه‌ی قوی در کشف فرصت‌های اقتصادی جدید باشد. این موارد بنا بر تعریف، از ویژگی‌های مهم کارآفرینان یا انترپرنورهاست. در حال حاضر واحدهای درسی در اغلب رشته‌های دانشگاهی به گونه‌ای است که دانشجویان گذراندن حدود ۱۳۶ واحد درسی گرچه از دانش و تعلیمات بیشتری نسبت به دوره متوسطه برخوردار است اما از ویژگی کارآفرینی بی‌بهره است چون اولین دغدغه‌اش دسترسی به شغل است و چه بسا سال‌ها پس از فراغت از تحصیل بیکار می‌ماند! غافل از آنکه در نظام آموزش عالی، دانشجویان می‌توانند به گونه‌ای تربیت شوند که پس از اتمام دوره تحصیلی‌اش نه تنها نگرانی‌ای نسبت به کار خود نداشته باشد بلکه ایجادکننده‌ی کار و فرصت‌های جدید اقتصادی بوده و در واقع یک کارآفرین باشد.^۳

برای این کار لازم است تا زمینه ظهور دانشجویان کارآفرین در نظام آموزش عالی فراهم شود. یکی از عوامل مؤثر در تحقق این هدف، تعریف دروس مرتبط با کارآفرینی برای دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی است. به عنوان مثال در کنار تعداد زیادی از دروس نظری در رشته‌های مدیریت و علوم اقتصادی که تنها موجب افزایش دانش عمومی و محفوظات دانشجویان می‌شود می‌توان دروس کاربردی که پیوند میان مباحث نظری و دنیای واقعی به وجود آورده و در تقویت روحیه خلاقیت و نوجویی مؤثر است، تعریف نمود. در این زمینه گرچه اخیراً درس سه واحدی کارآفرینی برای دانشجویان دو رشته مذکور تعریف شده اما لازم است دانشجویان پس از گذراندن آن، کارآفرینی را در عمل تجربه نمایند که برای این کار تعریف و ارایه درس کسب و کار الکترونیک، پیشنهاد می‌گردد.

۱-۱-۳- درس کسب و کار الکترونیک

با توجه به اهمیت فناوری اطلاعات و ارتباطات در شناسایی فرصت‌های بازار در دنیای امروز، درس کسب و کار الکترونیک می‌تواند با تقویت روحیه کارآفرینی شرایط ورود دانشجویان به دنیای اطلاعات و ارتباطات را فراهم کرده و موجب تجاری شدن محصولات آموزشی مراکز آموزش عالی گردد. ویژگی‌های درس به شرح زیر می‌باشد:

هدف درس: طراحی سیستم کسب و کار با استفاده از شبکه‌های کامپیوتری و اینترنت به منظور افزایش فروش و درآمد بنگاه، امکان ارایه خدمات و محصولات تولیدی در سطح بازارهای فرامنطقه‌ای، جلوگیری از اتلاف وقت و کاهش هزینه‌های تبلیغات کالا، دانشجو در پایان درس باید به طراحی و ارایه یک فروشگاه الکترونیک در مورد یک کالا یا خدمت بپردازد.

سرفصل درس:

۱- آشنایی مقدماتی با کامپیوتر و اینترنت

۲- نوشتن یک برنامه کسب و کار شامل تکمیل فرم و پرسشنامه مربوط به خطوط کلی کسب و کار یک بنگاه (هدف، معرفی کالا یا خدمت، توصیف چگونگی کسب و کار، پیش‌بینی فروش و درآمد) پس از تشکیل یک گروه از دانشجویان شامل حداکثر ۵ نفر

۳- راه‌اندازی، طراحی و توسعه فروشگاه الکترونیک پس از تأیید فرم پرسشنامه در چارچوب سایت طراحی شده توسط دانشگاه. دانشجو پس از تأیید فرم پرسشنامه توسط استاد اقدام به راه‌اندازی فروشگاه الکترونیک می‌نماید.

پیش‌نیاز: اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، مبانی کارآفرینی

پیامدهای خارجی مثبت درس: آموزش و ارایه درس کسب و کار الکترونیک از یک سو مهارت، توانمندی و تخصص دانشجویان را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر جامعه را از منافع مثبت آن بهره‌مند می‌سازد که از آن جمله به تأسیس شرکت‌های تولیدی و خدماتی جدید و توسعه و تقویت شرکت‌های موجود می‌توان اشاره نمود. از دیگر اثرات آن به درآمدزایی برای مراکز آموزش عالی و ایجاد فرصت‌های شغلی و تجاری جدید می‌توان اشاره کرد.

در شکل (۱) زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه به عنوان عامل اثرگذار بر شرایط محیطی و عملکرد نظام آموزش عالی و ویژگی‌های شخصیتی افراد مانند میزان استقبال از خطر، احساس نیاز به موفقیت و پیشرفت و حس نوآوری به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ظهور روحیه کارآفرین معرفی شده‌اند.

۱- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۸۵

2- World Development Indicator, 2006

۳- گزارش اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های مختلف ۴- این ویژگی در رویکرد آینده آموزش عالی در سطح جهان مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال سازمان علمی آموزشی فرهنگی ملل متحد (UNESCO) در چشم‌انداز جهانی آموزش عالی برای قرن ۲۱ توسعه مهارت‌های کارآفرینی در دانشگاه‌ها را مورد تأکید قرار داده و دانشگاه نوین را دانشگاهی می‌داند که در آن، مهارت‌های کارآفرینی به منظور افزایش قابلیت‌های فارغ‌التحصیلان به ایجاد کنندگان کار، توسعه یافته است.



بر اساس تحلیل انجام شده در چارچوب مدل TEEE، عملکرد مطلوب مراکز آموزش عالی و شرایط مناسب محیطی برونزا در سطح ملی، موجب ارتقاء سطح کارآفرینی می‌شود. توسعه کارآفرینی نیز همراه با ورود بنگاه‌های جدید به بازار، ایجاد کسب و کار جدید و شکل‌گیری و توسعه شرکت‌های جدید تولیدی و خدماتی است که این عوامل، رشد اقتصادی بیشتر را به وجود می‌آورد. در این قسمت به بررسی رابطه میان کارآفرینی و رشد اقتصادی می‌پردازیم. گرچه آمارهای محدودی از میزان کارآفرینی در سطح کشورها وجود دارد اما اتکاء به آمارهای جانبی تا حدودی وضعیت آن را ترسیم می‌کند. یکی از شاخص‌هایی که جانشین^۱ مناسبی برای فعالیت‌های کارآفرینی است، نرخ رشد عملکرد شرکت‌های تازه تأسیس می‌باشد. بیشتر بودن نرخ رشد عملکرد شرکت‌های جدید ناشی از توسعه فعالیت‌های کارآفرینی است. در این ارتباط از آمارهای مرکز NAEC^۲ در مورد سهم شرکت‌های جدید با نرخ عملکرد بیش از ۶۰ درصد در کل شرکت‌های ثبت شده در سطح ۱۴ کشور استفاده می‌نماییم. جدول زیر نشان دهنده نسبت شرکت‌های جدید با نرخ رشد عملکرد بیش از ۶۰ درصد به تعداد کل شرکت‌های ثبت شده در سطح ۱۴ کشور است در این جدول همچنین میزان نرخ رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی، آرایه شده است.

جدول ۱-۴ - اطلاعات نرخ رشد شرکت‌ها و نرخ رشد اقتصادی در کشورهای منتخب

کشور	سهم شرکت‌های جدید با نرخ رشد عملکرد بیشتر از ۶۰ درصد از کل شرکت‌ها به ثبت رسیده (NF) درصد (۲۰۰۲ - ۲۰۰۰)	نرخ رشد اقتصادی متوسط سالانه (GP) درصد (۲۰۰۴ - ۲۰۰۰)
کره جنوبی	۱۵/۵	۴
امریکا	۱۳/۵	۲/۵
انگلستان	۸/۵	۲/۹
اسپانیا	۸/۲	۳/۱
هلند	۷/۳	۱
فنلاند	۵/۸	۲/۵
نروژ	۵/۷	۲/۶
سوئد	۵/۱	۱/۴
فرانسه	۴	۱/۶
ایتالیا	۳/۹	۱/۲
دانمارک	۳/۳	۱/۷
پرتغال	۳/۱	۱/۳
آلمان	۲/۶	۱/۳
اتریش	۱/۷	۰/۹

Source: 1-World Development Indicators (WDI)2006. 2-National Agency for Enterprise and Construction.

1 - Proxy

2- National Agency for Enterprise and Construction

برای بررسی رابطه میان کارآفرینی و نرخ رشد اقتصادی در سطح کشورها، معیار ضریب همبستگی^۱ خطی ساده میان دو شاخص مذکور محاسبه شده است که جدول (۲-۴) نتایج محاسبات را نشان می‌دهد.

جدول ۲-۴ ماتریس همبستگی میان رشد عملکرد شرکت‌های جدید و نرخ رشد اقتصادی

	GP	NF
GP	1	۰/۷۹
NF	۰/۷۹	1

منبع: محاسبات محقق

همان طور که ملاحظه می‌گردد ضریب همبستگی میان رشد عملکرد شرکت‌های جدید و نرخ رشد اقتصادی در سطح ۱۴ کشور تحت بررسی ۰/۷۹ است. علامت مثبت آن رابطه مستقیم میان کارآفرینی و رشد اقتصادی را تأیید می‌کند که براساس آن می‌توان ادعا کرد با توسعه فعالیت‌های کارآفرینی، میزان رشد اقتصادی در سطح کشورها افزایش می‌یابد همچنین مقدار ضریب همبستگی ۰/۷۹ به دست آمده است که اندازه‌ی بالای آن نشان دهنده‌ی درجه بالای همبستگی میان کارآفرینی و رشد اقتصادی در بین کشورهای منتخب است. این نتیجه لزوم توسعه کارآفرینی در بین کشورها را جهت تسریع روند رشد اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهد که این اثر می‌تواند از طریق کارکرد مناسب نظام آموزش عالی در پرورش و تربیت دانشجویان کارآفرین صورت گیرد.



نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

یکی از عواملی که موجب نقش آفرینی بیشتر دانشگاه‌ها در رشد تولید واقعی جامعه می‌گردد، بهبود کیفیت نیروی انسانی تحصیلکرده است که یکی از ابزارهای تحقق آن رویکرد کارآفرینی در نظام آموزش عالی است. رشته‌های دانشگاهی در مراکز آموزش عالی باید به گونه‌ای طراحی شوند که در آن، افراد ضمن کسب دانش و معرفت نظری دارای اطلاعات تخصصی مناسب و روحیه خلاقیت و نوآوری باشند تا از این طریق بتوانند فرصت‌های اقتصادی جدید پدید آورند. در این ارتباط ارایه درس «کسب و کار الکترونیک» برای دانشجویان رشته‌های مدیریت بازرگانی و علوم اقتصادی پیشنهاد می‌گردد.

توسعه فعالیت‌های کارآفرینی موجب رشد اقتصادی کشور می‌شود که در این ارتباط ضریب همبستگی میان فعالیت‌های کارآفرینی و رشد اقتصادی در سطح کشورها، گفته فوق را تصدیق می‌نماید. نتایج حاصل از تحلیل تجربی نشان می‌دهد ضریب همبستگی میان کارآفرینی و رشد اقتصادی در سطح کشورها ۰/۷۹ است که بر این اساس رویکرد کارآفرینی در نظام آموزش عالی بر روند رشد و توسعه اقتصادی کشور اثر مثبت دارد. □

توسعه کارآفرینی موجب بهبود عملکرد شاخص‌های اقتصادی مانند بهبود وضعیت رفاهی مردم، افزایش اشتغال، رشد اقتصادی و کاهش فقر می‌شود. کارآفرین سرمایه انسانی جامعه محسوب می‌شود که با تفکر، نوآوری و خلاقیت خود مبادرت به خلق ظرفیت‌های اقتصادی جدید می‌کند. مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها نقش مهمی در ظهور و پرورش کارآفرینان ایفا می‌کنند. این نقش تابع شرایط محیطی برون‌زا در سطح ملی و عملکرد درونی نظام آموزش عالی است که آنرا بر اساس مدل «آموزش عالی، کارآفرینی و رشد اقتصادی» می‌توان تشریح کرد. یکی از مولفه‌های مؤثر در عملکرد مناسب نظام آموزش عالی، کیفیت واحدهای درسی و تناسب آن با نیازمندی‌های جامعه است. آمارهای موجود نشان می‌دهد طی سال‌های (۸۴-۱۳۷۵) تعداد کل دانشجویان مراکز آموزش عالی، رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است به طوری که با نرخ رشد متوسط سالانه ۲/۹ درصد از ۱۱۹ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ به ۲/۴۵ میلیون ریال نفر در سال ۱۳۸۴ رسیده است. این رشد کمی همراه با رشد تولید سرانه واقعی نبوده است

1- Correlation Coefficient

منابع و مأخذ:

- ۱- دهستانی منفرد، منصور (۱۳۸۵) کار آفرینی و فناوری اطلاعات و ارتباطات، فصلنامه تخصصی اشتغال و کار آفرینی، رویش، شماره ۱۶ و ۱۷.
 - ۲- ستاری فر، محمد (۱۳۷۴) درآمدی بر سرمایه و توسعه، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
 - ۳- عظیمی، حسین (۱۳۸۳) مدارهای توسعه نیافتگی در ایران، نشر نی.
 - ۴- ظهیری، منصور (۱۳۸۵) توسعه کار آفرینی در دانشگاه های علوم پزشکی، فصلنامه تخصصی اشتغال و کار آفرینی، رویش، شماره ۱۶ و ۱۷.
 - ۵- مرادی، حسن (۱۳۸۳) دانشگاه کارآفرین: رویکردی نوین در مدیریت دانشگاه ها، مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار.
- 6- Drucker, P.F. (1985) *Innovation and Entrepreneurship*, New York: Harper & Row Publishers.
- 7- GEM(Global Entrepreneurship Monitor) Variou Reports.
- 8- National Agency for Enterprise and Construction (2004) Report.
- 9- Ngai, E.W.T(2007) *Learning in Introductory E-Commerce: A Project- based Teamwork Approach, Computers and Education*, 48, pp.17-29.
- 10- Johnson,S.(2000) *Literature review on Social Entrepreneurship. Canadian Centre for Social Entrepreneurship*, 16pp.
- 11- Karadeniz, E.E(2006) *Entrepreneurship and Economic Development , Kocaeli University Working paper* , 85-99.
- 12- Kirzner, M. (1997) *Entrepreneurial Discovery and the Competitive Market Process: An Austrian Approach, Journal of Economic Literature*, 35(1), 60- 85.
- 13- Peredo, A.M(2006) *Social Entrepreneurship: A Critical Review of the Concept, Journal of world Business*, pp.56-65.
- 14- Yn, Tony Fu-Lai (1998) *Adaptive Entrepreneurship and the Economic Development of Hong Kong, World Development*,. 26(5), 897- 911.